

Dare to understand!



www.turan-talk.com



جرات کن بفهمی!

بحران سازگاری: اسلام در برابر مدرنیته قرن 21

نویسنده: توران فریتینگر

بعد از چهارده قرن اگر امروز هم ما از اسلام سخن به میان می آوریم و آنرا زیر زره بین نقد میاندازیم و یا حتا مقدس می پنداریم، به دلیلی است که اسلام تا هنوز هم پیرو دارد و در حال تمرین شدن است. اما آیا تمرین کننده گان حال حاضر اسلام قادر به اجرای صد در صدی احکام قرآن و فقه نبوی هستند؟ یا اینکه نه، بعضی احکام در حد باور است و بعضی احکام قابل اجرا؟ آیا می توان بعضی احکام الله را انجام نداد و مسلمان محسوب شد؟

خواننده گان عزیز باید توجه داشته باشند که این سوال بُعد فلسفی و معرفت شناختی دارد. یعنی آیا همه ی باورها قابلیت تعمیم پذیری و اجرا شدن و تمرین کردن را دارند؟ یا اینکه نه، یک فرد می تواند در ذهن خود باورهایی را داشته باشد که بعضی در مقام ذهن به صفت باور باقی بماند و بعضی را هم در مقام عمل پیاده کند؟ در معرفت شناسی، فاصله ی زیادی است بین داشتن باور و عمل کردن به آن. مثلاً یک فرد می تواند باور داشته باشد که دروغ گفتن کار نادرستی است، ولی باز هم دروغ بگوید. اما در باورهای دینی چه؟ آیا یک مسلمان می تواند باور داشته باشد که احکام قرآن صد در صد درست هستند، ولی حداقل به بعضی از آنها عمل نکند؟ مثالی بزنم؛ مسلمانان باور دارند که قرآن از طرف الله آمده و احکام آن صد در صد باید اجرا شود، آیا حاضر هستند حکم چهار شاهد را که در سوره نساء آمده، تطبیق کنند؟ اگر جواب به این سوال این است که نه، ما نمی توانیم احکام الهی را صد در صد تطبیق کنیم، پس چگونه است که مسلمانان به این نتیجه رسیده اند که دیگر احکام الله قابل اجرا نیست؟ ولو یکی ولو چند تا!

در دنیای فعلی ما در قرن 21، تغییرات سریع اجتماعی و نفوذ فرهنگ جهانی و اینکه جهان به یک دهکده تبدیل شده، باعث شده که اکثر احکام اسلامی با سبک زندگی انسان های مدرن همخوانی نداشته باشد. برای مثال؛ حقوق زنان، آزادی های فردی، حقوق بشر، کودک همسری، تربیت سالم، اخلاقیات.... اینها همه مشکلاتی هستند که سد راه یک انسان می شود اگر بخواهد مسلمان باقی بماند و همچنان انسان مدرن محسوب شود. اصل موضوع مورد بحث این مقاله دقیقن همین جاست. چه خواسته و چه ناخواسته، مسلمانان برای حل این مسئله و برای اینکه نشان بدهند اسلام با جوامع مدرن انعطاف پذیر است، به چندین گروه تقسیم شده اند. طبق معمول، هر گروه خود را بر حق می داند و بقیه را تکفیر می کند. بپردازیم به همین گروه ها و اینکه چه دیدگاهی در قبال اسلام دارند. در حال حاضر مسلمانان به طور کلی به سه گروه اصلی تقسیم شده اند: مسلمانان سنت گرا، مسلمانان تجددگرا و مسلمانان بنیادگرا. طوریکه در ذیل خواهید خواند، این تقسیم بندی ها نشان دهنده تزلزل در احکام اسلامی است و اینکه چرا و چگونه شریعت اسلامی با جوامع مدرن و قوانین انسانی قابل جمع نیست و سازگاری ندارد، برای ما به خوبی عرضه می کند.

1. مسلمانان بنیادگرا

این دسته از مسلمانان که خود را بنیادگرا می نامند، بر ظاهر دین تأکید دارند و شریعت و فقه را تغییرناپذیر می داند. مثلاً از ریش گرفته تا طرز لباس پوشیدن و غذا خوردن و خوابیدن، باید طبق رفتار محمد رسول الله باشد. نزد مسلمانان بنیادگرا عقل بدرد بشریت نمی خورد و برای مسلمان شدن و مسلمان باقی ماندن، نیازی به آن نیست. مسلمانان بنیادگرا به دنبال تأسیس جوامعی است که در آن احکام شریعت به طور کامل اجرا شود و برای رسیدن به این هدف فقط و فقط حکومت اسلامی و شرعی می خواهند. از نظر بنیادگرایان، دین همه نیازهای مادی، معنوی، دنیوی و اخروی بشر را برآورده می کند و با ایجاد حکومت اسلامی می توان بهشت زمینی را محقق ساخت.

Dare to understand!



TURAN TALK
توران
تاک



www.turan-talk.com

جرأت کن بفهمی!



بنیادگرایان با فرهنگ و تمدن غرب شدیدن مخالف اند و آن را نتیجه دوری از معنویت و فطرت انسانی می دانند. این گروه دشمن اسلام را بیرونی (غرب و بیگانگان) قلمداد کرده و جدایی دین از سیاست را نمی پذیرند. آنان بر این باورند که حکومت های غیردینی مردم را از شریعت و فقه دور می کنند و به همین دلیل باید با این نوع حکومت ها مقابله کرد و آنها را سرنگون ساخت.

2. مسلمانان سنت گرا

مسلمانان سنت گرا بر رعایت دقیق شریعت و فقه در مقام عمل تأکید می کنند و عقل استدلالگر را تنها ابزاری برای ماله کشی کتب اسلامی خود می داند، یعنی عقل آنکه در پای شتر بسته است و در خدمت متون مقدس و الله می باشد و کاربردی غیر از این ندارد. پیروان این دیدگاه تدین را بیش از هر چیز در عمل به شریعت می دانند و احکام آن را تغییرناپذیر تلقی می کنند. آنان بر ظاهر دین تأکید دارند و دغدغه ی برای ایجاد جامعه ی با اخلاقیات انسانی فراتر از احکام شریعت ندارند. به نظر آنها، دین وعده ی برای تحقق بهشت زمینی نداده و دنیا چیزی جز "چرک دست و میدان بازی" نیست و باید از آن گریخت. این دیدگاه به حکومت های غیردینی روی خوش نشان نمی دهد و جدایی دین و سیاست را نمی پذیرد.

3. مسلمانان تجددگرا

مسلمانان تجددگرا عقل استدلالگر را به عنوان منبعی در کنار کتاب و سنت می پذیرد و تلاش می کند برای اثبات واقع نمایی کتاب و سنت نیز از عقل استفاده کند. تجددگرایان می کوشند دین را از تعبد خارج کرده و آن را عقلانی جلوه دهند. در صورت تضاد بین آیات و یافته های عقلی، آنان به تأویل روی می آورند و تفسیری متفاوت از متون دینی ارائه می دهند، طوریکه خود را گنج و دیگران را نفهم فکر می کنند. این دیدگاه شریعت را هدف غایی نمی داند و آن را وسیله ی برای رسیدن به معنویت و اخلاقی زیستن قلمداد می کند. از نظر تجددگرایان، تدین بیش از هر چیز در اخلاقی زیستن و رعایت اصول انسانی مانند مدارا، آسان گیری، و رعایت انصاف دیده می شود که بدبختانه هیچ یک از اینها در احکام قرآن دیده نمی شود. آنان احکام شریعت را تغییرپذیر می دانند و بسیاری از آنها را وابسته به شرایط اجتماعی و فرهنگی چهارده قرن قبل قلمداد می کنند. در این نوع اسلام، جدایی دین و سیاست پذیرفته شده و حکومت های غیردینی مانعی برای تحقق ارزش های اخلاقی دینی نیستند.

نتیجه اینکه؛ اسلام در مواجهه با تغییرات اجتماعی و فرهنگی دنیای مدرن، به چالش جدی برخورد کرده است. در حالی که بنیادگرایان و سنت گرایان به حفظ تمام عیار احکام شریعت تأکید دارند، تجددگرایان می کوشند با تأویل و انطباق، میان دین و ارزش های مدرن پلی بزنند. این اختلاف نظرها نه تنها نمایانگر تزلزل در باورها و احکام اسلامی است، بلکه دال بر این است که اکثر احکام اسلامی دیگر با زندگی مدرن انسانهای قرن 21 سازگار نیستند. برای مسلمانان، این پرسش به وجود می آید که آیا دین می تواند در کنار تغییرات جهانی به بقای خود ادامه دهد یا نیاز به بازنگری و تعریف دوباره دارد؟ بازنگری و تعریف کدام موارد؟ خدا؟ وحی؟ پیامبر؟ قرآن؟ احکام؟ فقه؟ کدام یک؟